

حبّ و بغض، محکم ترین دست آویز مؤمنین (از نگاه آیات و روایات)

□ حیدر رجایی *

چکیده

بدون شک انسان مسؤول و هدفمند برای رسیدن به مقصودش باهر موافق و یاری کننده دوست و باهر مخالف که بخواهد او را از رسیدن به هدف باز بدارد دشمن و درستیز است. مسئله حبّ و بغض، تولّی و تبّری که یک امر نفسانی و قلبی است؛ بهترین دست آویز، نیرومندترین و قویترین محرک انسان در مسیر حرکت به سوی خدا است. قرآن کریم و ائمه ی معصومین (ع) در آیات و روایات بسیاری به دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا و دشمنان دوستان خدا امر، تشویق، ترغیب و برعمل به آن تأکید فرموده است. در این مقاله ابعاد و آثار حبّ و بغض و تأثیر در آن در حیات دنیوی و معنوی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: حبّ، بغض، مؤمن، آیات، روایات.

*. دانش آموخته سطح چهار جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

طبق جهان بینی توحیدی والهی آفرینش انسان و بلکه همه عالم هستی دارای هدف است. هدف از خلقت انسان معرفت، محبت، پرستش خداوند متعال و رسیدن به مقام قرب الهی است. حبّ و بغض، تولی و تبّری یکی از آموزه های دین اسلام است که در آیات بر آن تأکید شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ»، (ممتحنه/۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و خود را دوست خویش قرار ندهید. اطاعت، هم سو بودن با ولی خدا و کتاب خدا، نجات بخش ترین و محکم ترین راه است. انسان مؤمن در رکاب رسول خدا باهم کیشان مهربان و بادشمنان و کفار شدت تنفر را دارد: «مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» (فتح/۲۹)؛ محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند. تبعیت و الگو قراردادن، اطاعت و همراه شدن با انسان کامل مانند انبیاء و صادقین و صالحین و شهداء، سرچمه های زلال دین و ایمان است که آیات قرآن نیز بر آن تأکید دارد: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»، (نساء/۶۹)؛ و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز) هم نشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدّیقان و شهدا و صالحان؛ و آنها رفیق های خوبی هستند.

مفهوم شناسی

۱. حبّ و بغض

حبّ و بغض از کلمات و مفاهیم ذات الاضافه است که نیاز به متعلق و طرف دارد یعنی میل و رغبت به چیزی، تنفر و انزجار از چیزی. تولی و تبّری یا همان حبّ فی الله و بغض فی الله. حبّ و بغض دو کلمه متضاد است (حب ضد بغض) یعنی دوستی و دشمنی. در تعریف حبّ و بغض محققین لغت گفته اند: «الْبُغْضُ: نفار النفس عن الشيء الذي ترغب عنه، وهو ضد الحبّ، فإنّ الحبّ انجذاب النفس إلى الشيء، الذي ترغب فيه»، (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: ۱۴۱۲ ق، ص، ۱۳۶)

بُغْض یعنی تنفّر و انزجار نفسانی و روحی از چیزی که به بی میلی و دوری از آن می انجامد، بغض ضدّ دوستی است؛ زیرا دوستی و محبّت، تمایل و کشش نفس به چیزی است که به آن رغبت پیدا می کند و بغض خلاف آن است.

صاحب التحقيق می گوید: «أَنَّ الْبَغْضَ ضِدَّ الْحُبِّ، وَ الْبَغْضَاءُ مَصْدَرُ كَالِدَعْوَى، وَ الْبَغْضُ صِفَةُ نَفْسَانِيَّةٍ فِي قِبَالِ الْحُبِّ، فَإِذَا اشْتَدَّ وَظَهَرَ فِي مَقَامِ الْعَمَلِ فَهُوَ الْعَدَاوَةُ، فَإِنَّهُ مَأْخُذٌ مِنَ التَّعَدَّى، وَ بَيْنَهُمَا عَمُومٌ وَ خُصُوصٌ مِنْ وَجْهِهِ. وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمَا الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ» (مأئده/۶۴)، (مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم بیروت: ۱۴۳۰ ق، ج ۱، ص ۳۰۶). بغض ضد حبّ و کلمه البغضاء مصدر است مانند دعوی. بغض یک صفت نفسانی است در مقابل حبّ، زمانی شدت پیدا کند در عمل ظهور و بروز پیدا کند می شود عداوت. عداوت از تعدّی و تجاوز گرفته شده است. بین آن دو (عداوت و تعدّی) عموم و خصوص من وجه است. قرآن کریم کلمه بغض را ضد محبت استعمال کرده است: «و ما در میان آنها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکندیم».

راغب در مفردات بعد از تعریف محبت می گوید: «مَحَبَّةٌ یعنی: خواستن و تمایل به چیزی که می بینی و آن را خیر می پنداری، و این محبت منقسم به اقسام ذیل است:

۱. محبّت و دوستی برای خرسند شدن و لذّت بردن مثل محبّت مرد نسبت به زن.
۲. محبّتی که بر پایه بهره مندی معنوی است، مثل چیزهای سودمند
۳. محبّت برای فضیلت و بزرگی، مثل محبّت دانشمندان و دانش پژوهان برای علم نسبت به یکدیگر (راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ص: ۲۱۴).

غزالی می گوید: «محبت و عشق از ویژگی موجودات صاحب ادراک است. و با توجه به موافقت و یا عدم موافقت مدرک با طبع مدرک، آنها را به سه دسته تقسیم می کند:

۱. آنچه موافق و ملایم طبع ادراک کننده و لذت دهنده اوست.
۲. آنچه منافی طبع ادراک کننده و مایه تنفر و انزجار اوست.
۳. آنچه در طبع ادراک کننده لذت والمی ایجاد نمی کند.

بنابراین هر چیزی که در ادراک آن لذّت و راحتی است، از نظر ادراک کننده محبوب و آنچه در ادراک آن درد ورنج است، نزد ادراک کننده مبعوض و هر چه لذّت والمی در پی ندارد نه محبوب است و نه

مکروه. در این صورت هرچیز لذت بخش نزد کسی که از آن لذت می برد، محبوب است و معنای محبوب بودن آن است که طبع انسان بدان تمایل دارد؛ معنای مبغض بودن آن است که طبع انسان از آن چیز نفرت دارد. پس حبّ و دوستی عبارت است از گرایش طبع به چیزی لذت دهنده و اگر این گرایش شدت و قوت یابد عشق نامیده می شود. بغض عبارت است از: نفرت طبع از چیزی درد آور و رنج دهنده که اگر این نفرت قوی شود آن را «مقت» یا دشمنی می خوانند. این نخستین اصل درحقیقت معنای دوستی است که از شناخت آن چاره نیست». (غزالی، محمد، احیاء علوم الدین، دارالعلم، ۱۳۹۳ش، ج ۴، ص، ۲۷۵، بی جا).

ملاصدرا درتعریف حب می گوید: «حب عبارت است از: ابتهاج نفس به شیئی که موافق طبیعت انسان باشد، اعم از اینکه آن شیء يك امر حسّی باشد یا عقلی، حقیقی باشد یا ظنّی. ملا صدرا باور دارد درهمه‌ی موجودات عشق و شوقی نسبت به کمال وجود دارد و معشوق و محبوب حقیقی ذات حق تعالی است» (صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۷، ص ۱۴۸).

۲. حب در لغت و اصطلاح

در معنای اصطلاحی حب گفته اند: «گرایش به سوی چیزی لذت بخش و سازگار با طبع و وابستگی خاص میان انسان و کمال اوست که اگر شدت یابد عشق نامیده می شود» (غزالی، احیاء علوم الدین ج ۴، ص ۳۱۴). ابن عاشور در التتویر می گوید: «این انفعال نفسانی تابع ادراک و معرفت است و از شناخت زیبایی های ذاتی محبوب یا از احسان وی نشأت می گیرد» (ابن عاشور، محمد بن طاهر، تفسیرالتحریر و التتویر، بیروت، ج ۳، ص، ۲۲۵).

۳. جایگاه حبّ بغض در فرهنگ دینی مذهبی

حبّ و بغض در فرهنگ دینی مذهبی از ارزش و جایگاه بلند و اهمّیت فوق العاده ای برخوردار است؛ به گونه ای که در روایات جزئی از ایمان و دین شمرده می شود که نبود آن، نشانه نقص و عدم کمال دین و مذهب شخص مسلمان است: فضیل بن یسار از امام صادق (ع) نقل نموده و می گوید: از امام (ع) سؤال کردم آیا حبّ و بغض جزئی از ایمان است؟ «فَقَالَ وَ هَلِ الْإِيْمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ

حُبّ و بغض، محکم ترین دست آویز مؤمنین (از نگاه آیات و روایات) □ ۱۳۳

إِلَى آيَةِ حَبَبِ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ط الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۲۵). امام صادق (ع) فرمود: مگر ایمان چیزی غیر از حب و بغض است؟ سپس این آیه را تلاوت فرمود: «خدا ایمان را محبوب شما کرد و آن را در دل شما بیاراست و کفر و نافرمانی و عصیان را ناپسند شما کرد. که آنان هدایت یافتگان می باشند.

در تعبیر دیگر آمده است: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ؟»؛ آیا دین، جز دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا است؟ (ابن کثیر دمشقی اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۷).

تقسیم حُبّ و بغض به ممدوح و مذموم

گفته شد که حُبّ و بغض نیاز به متعلق دارد. با توجه به متعلق آن، حُبّ به ممدوح و مذموم تقسیم می شود. حُبّ به خدا و دوستان خدا و آنچه انسان را به خدا نزدیک می کند ممدوح است و دوست داشتن آنچه مبعوض خداست و چیزی که باعث از بین رفتن محبت خدا یا کاهش آن می شود، مذموم است. علامه طباطبائی، در تفسیر المیزان ذیل آیه ۱۴ سوره آل عمران می گوید: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبِّ الشَّهَوَاتِ» در تبیین محبت مذموم، می گوید: «مقصود از حب شهوات، علاقه عادی نیست زیرا اصل علاقه مندی، امری فطری است؛ بلکه مراد دلدادگی و دوستی شدید دنیاست»، (طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان: ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۰۶).

برای شناخت حُبّ ممدوح و مذموم باید گفت هرچه در چارچوب ارتباط با خدا قرار گیرد و رنگ و صبغه الهی داشته باشد، تا آن جا که بنده در امتداد شعاع حُبّ و بغض توحیدی والهی، هر چه را که خدا دوست دارد او هم به خاطر خدا دوست می دارد و هرچه مبعوض الهی است، او هم بدان بغض می ورزد.

نشانه های حب و بغض ممدوح

الف) بزرگترین شاخه ایمان

حب و بغضی ممدوح و پسندیده است که در دوست داشتن و دشمن داشتن، اعطا کردن و منع کردن فقط خدا را در نظر داشته باشد. پیامبر اکرم (ص): «وَدُّ الْمُؤْمِنُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ مِنْ أَعْظَمِ شُعَبِ الْإِيمَانِ وَمَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ وَأَبْغَضَ فِي اللَّهِ وَأَعْطَى فِي اللَّهِ وَمَنَعَ فِي اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الْأَصْفِيَاءِ» (تحف العقول عن آل الرسول صلی ال، ج ۲، ص ۴۸). دوستی مومن با مومن از بزرگترین شاخه های ایمان است و هر کس برای خدا دوست بدارد و برای خدا دشمن بدارد و برای خدا عطا نماید و به خاطر خدا دریغ کند، از برگزیدگان به شمار آید.

ب) بهترین اعمال

ملاک حب و بغض این است که: بنده به خدا برسد و هر عملی که در این راستا به او کمک کند و محبت خدا را در قلب ها محکم و بیشتر کند ممدوح است؛ هر آنچه انسان را از خدا دور گرداند مذموم و بد است. در حدیث قدسی آمده است: «أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى هَلْ عَمِلْتَ لِي عَمَلًا قَطُّ؟ قَالَ: إِلَهِي صَلَّيْتُ لَكَ، وَصُمْتُ، وَتَصَدَّقْتُ، وَذَكَرْتُ لَكَ فَقَالَ: إِنَّ الصَّلَاةَ لَكَ بُرْهَانٌ، وَالصَّوْمَ جُنَّةٌ، وَ الصَّدَقَةَ ظِلٌّ، وَ الذِّكْرَ نُورٌ، فَأَيَّ عَمَلٍ عَمِلْتَ لِي؟ فَقَالَ مُوسَى: ذُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ هُوَ لَكَ؟ فَقَالَ: يَا مُوسَى، هَلْ وَالَيْتَ لِي وَلِيًّا، وَ هَلْ عَادَيْتَ لِي عَدُوًّا قَطُّ؟! فَعَلِمَ مُوسَى، أَنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ».

خدای متعال به موسی (ع) وحی کرد: آیا هرگز برای من کاری کرده ای؟ گفت: معبودا! من برای تو نماز خواندم، روزه گرفتم، صدقه دادم و ذکر تو را گفتم. خداوند فرمود: نماز برای تو، بُرهان است و روزه، حفاظ و صدقه، سایه و ذکر، نور. چه عملی را برای من کردی؟ موسی (ع) گفت: مرا به عملی که مخصوص توست، راه نمایی فرما، خداوند فرمود: «ای موسی! آیا هرگز به خاطر من با دوستی، دوستی کرده ای و آیا به خاطر من با دشمنی، دشمنی ورزیده ای؟» پس موسی (ع) دانست که محبوب ترین اعمال، دوست داشتن به خاطر خدا و دشمن داشتن به خاطر خداست، (راوندی، قطب الدین، سعید بن هبة الله، الدعوات: ۱۴۰۷ ق، ۵۰/۲۸).

خداوند فرمود: «ای موسی! آیا هرگز به خاطر من با دوستی، دوستی کرده ای و آیا به خاطر من با دشمنی، دشمنی ورزیده ای؟» پس موسی (ع) دانست که محبوب ترین اعمال، دوست داشتن به خاطر خدا و دشمن داشتن به خاطر خداست.

ج) محکم ترین دستگیره ایمان

از امام صادق (ع) نقل شده، رسول خدا (ص) به اصحابش فرمود: «أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ فَقَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الصَّلَاةُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الزَّكَاةُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الصَّيَامُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الْجِهَادُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِكُلِّ مَا قُلْتُمْ فَضْلٌ وَلَيْسَ بِهِ وَلَكِنْ أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَتَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالتَّبَرُّي مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ».

کدامیک از دستاویزهای ایمان محکم تر است؟ گفتند: «خدا و رسولش داناترند، و بعضی از آنها گفتند: نماز و برخی گفتند: زکاة و بعضی گفتند: روزه و برخی گفتند: حج و عمره و بعضی گفتند: جهاد، رسول خدا صل علی علیه و آله و سلم فرمود: هر یک از اینها را که گفته فضیلتی است، ولی جوابش پرسش من نیست. محکم ترین دستاویزهای ایمان دوستی برای خدا و دشمنی برای خدا و پیروی اولیاء خدا و بیزاری از دشمنان خداست (کلینی، اصول کافی، ح ۱۸۷۳).

د) حب و بغض ممدوح؛ ثواب جهنمی

اگر انسان کسی را که اهل دوزخ باشد برای خدا دوست داشته باشد بخاطر دوستی او به آن کس ثواب می دهد امام باقر (ع) فرمود ده است: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ رَجُلًا لِلَّهِ لَأَثَابَهُ اللَّهُ عَلَى حُبِّهِ إِيَّاهُ وَإِنْ كَانَ الْمَحْبُوبُ فِي عِلْمِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَبْغَضَ رَجُلًا لِلَّهِ لَأَثَابَهُ اللَّهُ عَلَى بُغْضِهِ إِيَّاهُ وَإِنْ كَانَ الْمُبْغُضُ فِي عِلْمِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ».

اگر مردی، مردی را برای خدا دوست دارد، خدا برای دوستیش او را ثواب دهد، اگر چه آن که را دوست داشته در علم خدا اهل دوزخ باشد. و اگر مردی مردی را برای خدا دشمن دارد، خدا برای دشمنیش به او ثواب دهد، اگر چه آن که را دشمن داشته در علم خدا اهل بهشت باشد. (همان، ج ۲ ص ۱۲۷).

حب و بغض، فطرت و سرشت انسان

انسان براساس فطرت الهی واراده و اختیاری که دارد همواره میل و کشش به سوی پاکی و زیبایی دارد به گونه ای طبق بیان صریح قرآن کریم حس خدا خواهی و خدا دوستی در نهاد و سرشت او گذاشته شده است: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ خَائِفاً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»، (۷۹ / انعام) من روی خود را به سوی کسی می کنم که آسمانها و زمین را آفرید و در این عقیده خود کمترین شرک راه نمی دهم، من موحد خالصم و از مشرکان نیستم.

در حدیثی از امام باقر (ع) می خوانیم، در پاسخ زراره یکی از یاران دانشمندش که از تفسیر آیه سؤال کرده بود، فرمود: «فَطَرَهُمْ عَلَى الْمَعْرِفَةِ بِهِ» خداوند سرشت آنها را بر معرفت و شناخت خود قرار داد»، (کلینی، کافی، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۲).

امیر مؤمنان علی (ع) فلسفه بعثت انبیاء را رشد و کمال عقل و یاد خدا می داند: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءُ؛ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ، وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمُ بِالتَّبْلِغِ، وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ، وَيُرْوِّعُهُمُ آيَاتِ الْمَقْدِرَةِ.»

پس (خداوند) رسولان خود را در میان آنان برانگیخت و پیامبران را پیاپی سوی ایشان فرستاد، تا از آنان بخواهند عهد الهی را که در فطرتشان نهاده است، بگزارند و نعمت فراموش شده او را به یادشان آورند و با رساندن پیام الهی حجت را بر آنان تمام کنند و گنجینه های خردهایشان را بیرون آورند و نشانه های قدرت (خدا) را به آنها نشان دهند، (نهج البلاغه، خطبه: ۱).

حب و بغض، جاذبه و دافعه

مسئله حب و بغض را می توان تحت عنوان جاذبه و دافعه نیز مورد بحث قرارداد؛ یعنی محبت همانند سایر احساسات باطنی دارای قطب «مثبت» و «منفی» است. ممکن نیست انسان چیزی را دوست بدارد و ضد آن را دوست داشته باشد. انسان اگر طالب کمال و جمال باشد، بی تردید از وِزِر و وبال متفَرّاست، چنانکه اگر ایمان نزد کسی مطلوب باشد بی تردید کفر و نفاق نیز نزد او مبعوض خواهد بود، خدای تعالی می فرماید: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ»، (حجرات: ۷). ولكن خدا ایمان را محبوب شما کرد و آن را در دلهایتان نیکو

بیاراست و انکار و نافرمانی و عصیان را نزد شما زشت و منفور ساخت. پس، هر گاه سخن از محبت می شود مقصود آن نیست که انسان صلح کل باشد و همه چیز و همه کس را دوست بدارد. انسان مؤمن و معتقد نمی تواند با همه از در آشتی در آید، چنانکه نمی تواند با همه قهر باشد. پس بی تردید محبتی ارزشمند است که در ارتباط با ارزشها و زیبایی ها باشد و ضدّ ارزش ها را دفع کند؛ آشنایان را بپذیرد و با نا آشنایان طرح دوستی نریزد.

تَوَلَّى وَ تَبَرَّى

یکی دیگر از عناوین همسان حُبّ و بغض، تَوَلَّى و تَبَرَّى است که از اصول و فروع دین مکتب اهلبیت (ع) به شمار می آید. صفت مهر ورزی و ستیزه جویی با دشمنان از خصوصیات بارز رسول خدا و همراهان اوست: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/۲۹) محمد (ص) پیامبر خدا و پیروانش با کافران سخت در ستیزند و نسبت به یکدیگر رحیم و مهربان هستند.

تَوَلَّى وَ تَبَرَّى

تعریف تَوَلَّى

راغب در مفردات می گوید: «وَلَاءٌ، وَ تَوَالِي» یعنی: دوستی و صمیمیت که دو معنی از آن ها حاصل میشود و افزون می گردد تا جایی که میان آن معانی چیزی که از آنها نباشد نیست و این معنی یعنی دوستی برای نزدیکی، مکانی، نسبی، دینی، بخشش و یاری کردن و اعتقاد و ایمان بکار می رود. «وَلَايَةٌ» با کسره حرف (و) یاری کردن است ولی. «وَلَايَةٌ» با فتحه حرف (و) به معنی سرپرستی است و نیز گفته شده هر دو واژه حقیقتش همان سرپرستی است که کاری را به عهده بگیرند» (راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن: ۱۴۱۲، ص ۱۲۱).

تعریف بَرَاءت

«اصل بُرء و بَرَاء و تَبَرِّي» ناراحت شدن از چیزی است که مجاورت، و همیاری با آن ناپسند و مکروه

وگلوگیر است، و لذا می‌گویند: که در آیات زیر افعال مختلف آن در معنی بیزاری و انزجار و تنفر بکار رفته است، (همان، ص، ۸۸۵). خدای عز و جل فرماید: «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (توبه: ۱) «وَأَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ»، (توبه: ۳)

برائت از منظر آیات قرآن

در آیات قرآن برائت به معنی انقطاع، بیزاری، تنفر و انزجار به کار برده شده است «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»، (توبه: ۱)؛ این، اعلام) بیزاری از سوی خدا و پیامبر او، به کسانی از مشرکان است که با آنها عهد بسته‌اید.

برائت و بیزاری رسول خدا از ابابکر در گرفتن و ابلاغ سوره برائت از بابت تبری بوده است و بلکه به آن تصریح شده است. انس ابن مالک می‌گوید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَبَّحَ بِبَرَاءَةٍ مَعَ أَبِي بَكْرٍ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ، فَلَمَّا بَلَغَ ذَا الْحُلَيْفَةِ بَعَثَ إِلَيْهِ فَرْدَهُ وَقَالَ: لَا يَذْهَبُ بِهِ إِلَّا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَبَعَثَ عَلِيًّا»، (حسکانی، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل: تهران، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۳۰۶).

طریحی (ره) صاحب مجمع البحرین می‌گوید: مفسرین اجماع دارند براین که رسول خدا (ص) وقتی سوره برائت نازل شد آن را ابتدا به ابوبکر داد؛ سپس از او پس گرفت و به علی علیه السلام داد «أَجْمَعَ الْمُفَسِّرُونَ عَلَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) حِينَ نَزَلَتْ بَرَاءَةٌ دَفَعَهَا إِلَى أَبِي بَكْرٍ ثُمَّ أَخَذَهَا مِنْهُ وَدَفَعَهَا إِلَى عَلِيٍّ (ع)» (طریحی، مجمع البحرین: تهران، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۹).

طبق آموزه های دین و قرآن، انسان مؤمن و مسلمان نباید با مخالفان خدا و رسول خدا رابطه دوستانه داشته باشد: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ»، (مجادله: ۲۲)؛

نمی‌یابی گروهی را که به خدا و روز جزا ایمان داشته باشند ولی با مخالفان خدا و رسول او دوستی کنند، گر چه آن مخالفان پدران یا پسران یا برادران یا خویشان و نشان باشند. خدا در دل آنان ایمان را رقم زده و به روحی از جانب خویش نیرومند شان ساخته است.

سخن آخر اینکه خداوند متعال در بسیاری از آیات، دوستی با دشمنان خدا و دین خدا و اولیاء خود را صریحاً نهی فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَ

قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ» (ممتحنه: ۱)
ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و خود را دوست خویش قرار ندهید. (یعنی آنها فقط دشمنان خدا هستند که با شما نیز عداوت و دشمنی دارند، با این حال چگونه دست دوستی به سوی آنها دراز می کنید؟! سپس می افزاید: شما نسبت به آنها اظهار محبت می کنید در حالی که آنها نسبت به آنچه از حق برای شما آمده (اسلام و قرآن) کافر شده اند و رسول خدا و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شما است از شهر و دیارتان بیرون می رانند.

تولی و تبری محکم ترین دستگیره ایمان

از امام صادق (ع) نقل شده که: رسول خدا (ص) به اصحابش فرمود: «کدامیک از دست گیره های ایمان محکمتر است؟» «أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟ فَقَالُوا: اللَّهُ، وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الصَّلَاةُ وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الزَّكَاةُ وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الصِّيَامُ وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الْجِهَادُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِكُلِّ مَا قُلْتُمْ فَضْلٌ وَلَيْسَ بِهِ، وَلَكِنْ أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَتَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالتَّبَرُّي مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ». محکم ترین دستگیره ایمان چیست؟ اصحاب گفتند: خدا و رسولش آگاهترند، یکی از اصحاب گفت: نماز است، دیگری گفت: زکات، سومی گفت: روزه، یکی دیگر گفت: حج و عمره است، بعضی هم گفتند: جهاد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: برای هر آنچه که شما گفتید فضیلتی است ولی هیچ کدام محکم ترین دستگیره ایمان نیستند، محکم ترین دستگیره ایمان دوستی و دشمنی در راه خدا و دوست داشتن دوستان خدا و برائت جستن از دشمنان خداست»، (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۲۵، ح ۶).

معیار دوستی و دشمنی، تولی و تبری و حب و بغض در روایات

در حدیثی از رسول خدا (ص) آمده است که، به یکی از صحابه فرمود: «يَا عَبْدَ اللَّهِ أَحِبِّ فِي اللَّهِ وَابْغُضْ فِي اللَّهِ وَوَالِ فِي اللَّهِ وَعَادِ فِي اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ وَلَا يَأْتِيَهُ إِلَّا بِذَلِكَ وَلَا يَجِدُ رَجُلٌ طَعَمَ الْإِيمَانَ وَانْكَثَرَتْ صَلَوَتُهُ وَصِيَامُهُ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ وَقَدْ صَارَتْ مُوَاخَاةُ النَّاسِ يَوْمَكُمْ هَذَا أَكْثَرَهَا فِي الدُّنْيَا، عَلَيْهَا يَتَوَادُّونَ وَعَلَيْهَا يَتَبَاغَضُونَ وَذَلِكَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً، فَقَالَ لَهُ، وَكَيْفَ لِي أَنْ أَعْلَمَ أَنِّي قَدْ وَالَيْتُ وَعَادَيْتُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ وَمَنْ وَلِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى أُولِيَهُ، وَمَنْ عَدُوَّهُ حَتَّى أُعَادِيَهُ؟ فَأَشَارَ

لَهُ رَسُولٌ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: أَتَرَى هَذَا؟ فَقَالَ بَلَى قَالَ وَلِيُّ هَذَا وَلِيُّ اللَّهِ فَوَالِهِ وَعَدُوُّ هَذَا عَدُوُّ اللَّهِ فَعَادِهِ، وَالِ وَلِيُّ هَذَا وَلَوْ أَنَّهُ قَاتِلُ أَبِيكَ وَلَدَيْكَ وَعَادِ عَدُوَّ هَذَا وَلَوْ أَنَّهُ أَبُوكَ وَلَدُكَ»؛

ای بنده خدا! دوستی و دشمنی خود را برای خدا و در راه او قرار ده، موالات و معاداتت باید در این راستا باشد، زیرا جز از این طریق به ولایت «الله» نمی توان رسید و جز از این راه کسی طعم ایمان را نخواهد چشید، هر چند که نماز و روزه اش فراوان باشد. امروزه بیشترین انگیزه برای دوستیها و دشمنیها اغراض دنیوی است و این گونه اغراض در پیشگاه خدا هیچ گونه ارزشی ندارد. آن صحابی پرسید: چگونه می توانیم بفهمیم که دوستی و دشمنی ما برای خدا است و از کجا می توان فهمید ولی خدا کیست تا او را دوست بداریم و از کجا بدانیم دشمن خدا کیست تا او را دشمن بداریم؟ رسول خدا (ص) اشاره کرد به حضرت علی (ع) و فرمود: دوست این، دوست خدا و دشمنش دشمن خدا است. پس دوست او را دوست بدار هر چند قاتل پدر و فرزندت باشد، و دشمن او را دشمن بدار هر چند پدر و فرزندت باشد. (طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار: ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴۱).

حب و بغض پایدار

محکم ترین و استوارترین و تغییرناپذیرترین رابطه دوستی و حب و بغض، آن است که مستدام و فقط برای خدا باشد: «وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»، (بقره: ۱۳۸) چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟ و ما منحصر او را پرستش می کنیم. اگر دوستی و دشمنی به خاطر خدا نباشد پایدار نیست و به زودی به ضدش تبدیل می شود. خداوند متعال می فرماید این گونه دوستان در روز قیامت بر یکدیگر لعن می فرستند و از یکدیگر تبری می جویند و اظهار می دارند ای کاش ما با فلانی دوست نمی - شدیم: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (زخرف: ۶۷) همه دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند مگر پرهیزگاران.

درفرنگ دینی اسلام، هر دوستی غیر خدا به دشمنی تبدیل می گردد. امام صادق (ع) می فرماید: «أَلَا كُلُّ خَلَّةٍ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا فِي غَيْرِ اللَّهِ فَإِنَّهَا تَصِيرُ عِدَاوَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ (مجلسی، بحار الأنوار: ۱۴۰۳ ق، ج ۶، ص ۲۳). در روز قیامت همه ی دوستی ها، جز دوستی با خداوند به دشمنی تبدیل خواهد

شد. بدانید هر دوستی که در دنیا برای خاطر خدا نباشد در قیامت تبدیل به عداوت و دشمنی می شود. از نگاه قرآن کریم، هر دوستی غیر از مسیر خدا سرانجام منجر به حسرت و پشیمانی و گمراهی است: «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا، وَيُلَاقِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا، لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا.» (فرقان: ۲۷-۲۹) بخاطر آور روزی را که ظالم دست خویش را از شدت حسرت به دندان می گزد، می گوید: «ای کاش با رسول خدا ص راهی برگزیده بودم، ای وای بر من کاش فلان شخص گمراه را دوست خود انتخاب نکرده بودم او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت بعد از آنکه (یاد حق) به سراغ من آمده بود!» و شیطان همیشه خوارکننده انسان بوده است.

امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) در گفتار گویای می فرماید: «مُجَالَسَةُ الْأَشْرَارِ تَوْرِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ، وَ مُجَالَسَةُ الْأَخْيَارِ تُلْحِقُ الْأَشْرَارَ بِالْأَخْيَارِ، وَ مُجَالَسَةُ الْفُجَّارِ لِلْأَبْرَارِ تُلْحِقُ الْفُجَّارَ بِالْأَبْرَارِ، فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَلَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانْظُرُوا إِلَى خُلَطَائِهِ؛ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَإِنْ كَانُوا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ مِنْ دِينِ اللَّهِ.» (مجلسی: ۱۴۰۳، بحار الأنوار، ج، ۷۴ صفحه ۱۹)

هر گاه وضع کسی بر شما مشتبّه شد و دین او را نشناختید به دوستانش نظر کنید، اگر اهل دین و آئین خدا باشند او نیز پیرو آئین خدا است، و اگر بر آئین خدا نباشند او نیز بهره ای از آئین حق ندارد و برای وای بر من، کاش من فلانی را به دوستی انتخاب نمی کردم.

بستر حب و بغض

بستر و خواستگاه حب و بغض عبارتند از:

۱. قلب: قلب انسان منشأ و بستر تمام حقایق درونی و یگانه راه ارتباطی موثر با خداوند متعال است؛ قلب منبع دریافت احساسات و کنش های بیرونی است؛ قلب منشأ عواطف و احساسات انسان است. هر چه این بستر صاف و زلال و به دور از رذایل روحی و اخلاقی و معنوی باشد در سلامت جان و روح انسان تاثیر گذارتر است. سعادت یا شقاوت انسان بر مدار صحت و فساد قلب دور می زند. قلب باید سالم از امراضی چون حسد، کینه، شرک، نفاق، مرض و... باشد. بنابراین قلبی که بستر و خواستگاه

حب و بغض است باید از صفات زیر برخوردار باشد:

۱/۱. قلب سلیم: قلب سلیم در بیان آیات و روایات قلبی است غیر از خدا در آن جانداشته باشد. روای می گوید از امام صادق (ع) سخن خدا عزوجل پرسیدم «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ؟ قَالَ هُوَ الْقَلْبُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» «قَالَ الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ قَالَ وَ كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شِرْكٌ أَوْ شَكٌّ فَهُوَ سَاقِطٌ وَ إِنَّمَا أَرَادُوا الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا لِيَتَفَرَّغَ قُلُوبُهُمْ لِلْآخِرَةِ» گوید: از او پرسیدم از تفسیر قول خدا عزوجل (۸۹ سوره شعراء): «جز کسی که نزد خدا آید با دلی سالم». فرمود: دل سالم آن دلی است که نزد خدا آید و جز او در آن نباشد، فرمود: هر دلی شرك و شك دارد ساقط است، و همانا زهد در دنیا را خواستند برای آنکه دلشان فارغ باشد برای آخرت. (قمی مشهدی: كنز الدقائق و بحر الغرائب، ۱۳۶۷، ش، ج ۹، ص ۴۸۶).

۱/۲. از حب غیر خدا خالی باشد: امام صادق (ع): «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ قَالَ هُوَ الْقَلْبُ الَّذِي سَلِمَ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا» قلبی است که از دوستی دنیا در امان مانده باشد. (کلینی: أصول الكافي، ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ص ۱۶).

۳/۱. از نیت خالص بهره مند باشد: از امام صادق (ع) روایتی در این زمینه وارد شده است: «صَاحِبُ النِّيَّةِ الصَّادِقَةِ صَاحِبُ الْقَلْبِ السَّلِيمِ لِأَنَّ سَلَامَةَ الْقَلْبِ مِنْ هَوَاجِسِ الْمَحْذُورَاتِ بِتَخْلِيصِ النِّيَّةِ لِلَّهِ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»؛ کسی که دارای نیتی پاک و صادق باشد از سلامت قلب برخوردار است چون سالم داشتن قلب از خاطرات و افکار زیان بار در صورتی میسر است که انسان در تمام کارهای خود نیت را برای خدا خالص نماید» (منسوب به جعفر بن محمد: مصباح الشریعه، تهران، ۱۳۶۰، ص ۵۳).

۱/۴. ابراهیم و قلب سلیم: تبری و برائت به معنای کناره گیری و بیزاری از هر چیزیست که مجاورت با آن مورد کراهت باشد. لذا گفته می شود «برأت من المرض» از مرض بهبودی یافتیم. و «برأت من فلان» از گیر فلانی نجات یافتیم. و «تبرأت و یا أبرأته و برأته من كذا» او از فلان عمل بیزاری جستم و یا فلانی را از آن عمل بری نمودم. و در مورد مفردش گفته می شود: «رجل برىء» و در مورد جمعش گفته می شود: «قوم براء و یا قوم بریؤون» خدای تعالی در قرآن می فرماید: «بِرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِسُولِهِ»، (راغب اصفهانی: مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲، ص ۱۲۱).

خدای متعال در معرفی حضرت ابراهیم (ع) می فرماید: از شیعه و پیروان حضرت (نوح) است وصاحب قلب سلیم است: «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ، إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ، إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ أَفَكَا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ (، فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ»، (صافات: ۸۳- ۸۷).

و از پیروان او (نوح) ابراهیم بود، به خاطر بیاور هنگامی را که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد. هنگامی که به پدر و قومش گفت: اینها چه چیز است که می پرستید؟ آیا غیر از خدا، به سراغ این معبودان دروغین می روید؟ شما در باره پروردگار عالمیان چه گمان می برید؟

قرآن کریم در جایی دیگر برائت ابراهیم (ع) از قومش را چنین یاد می کند: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ، إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ» (زخرف ۲۶- ۲۷).

به خاطر بیاور هنگامی را که ابراهیم به پدرش (عمویش آذر) و قومش گفت من از آنچه شما می پرستید بیزارم!، مگر آن خدایی که مرا آفریده که او هدایت خواهد کرد.

۲. ذات المراتب

شاخصه دوم حب و بغض و مفاهیم هم سو و هم معنی آن، مانند: تولی و تبیری از مفاهیم مشکک و ذات المراتب است که دارای شدت و ضعف می باشد. علامه طباطبائی درالمیزان در ذیل آیه؛ ۱۶۵ سوره بقره می گوید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»؛ بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می کنند؛ و آنها را همچون خدا دوست می دارند. اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهایشان)، شدیدتر است علامه می گوید: «و الآية حجة عليهم فإن قوله تعالى: أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ يدل على أن حبه تعالى يقبل الاشتداد وهو في المؤمنين أشد منه في المتخذين لله أندادا»، (طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۴۰۶).

آیه دلالت دارد بر اینکه محبت به خدا شدت و ضعف دارد و این محبت در مؤمنین شدیدتر است تا در مشرکین. علاوه بر جمله «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» در آیه ۱۶۵ سوره بقره، آیه ۲۴ سوره توبه بیان می دارد: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ»؛ به آنها بگو اگر پدران، و فرزندان، و برادران، و همسران، و عشیره و قبیله شما، و اموال و

سرمایه‌هایی که جمع‌آوری کرده‌اید، و تجارتی که از کساد آن بیم دارید و مساکن مرفهی که مورد رضایت و علاقه شما است، در نظرتان محبوب‌تر از خدا و پیامبر او و جهاد در راهش می‌باشد، در انتظار باشید که مجازات و کیفر شدیدی از ناحیه خدا بر شما نازل گردد.

در ادامه می‌گوید: افضل و تفضیل بهتر، محبوب‌تر، گرم‌تر، سردتر، در جایی بکار می‌رود که مفضل و مفضل علیه، هر دو در اصل معنای کلمه شریک باشند، چیزی که هست یکی از آن دو از اصل معنا بیشتر و دیگری کمتر داشته باشد، (اینجاست که می‌گوییم: فلان چیز از فلان چیز گرم‌تر است)، پس در آیه ۲۴ سوره توبه هم، باید خدا محبوب باشد، تجارت هم محبوب باشد، ولی مشمولین آیه تجارت را از خدا بیشتر دوست بدانند». (همان: ج ۱، ص ۴۰۷).

عوامل موثر در پیدایش حب و بغض

۱. شناخت و معرفت

در عالم آفرینش هر شیئی دارای منشاء، علت و یا عللی است. هیچ پدیده‌ای در عالم بدون علت به وجود نخواهد آمد. حبّ و بغض هر چند یک پدیده‌ی معنوی، قلبی درونی و روانی است اما از قانون علت و معلول مستثنا نیست، یکی از عوامل حب و بغض، شناخت و معرفت نسبت به یک موجود، شخصیت یا چیزی مانند دین و یا شیئی از اشیاء عالم می‌باشد. هر موجودی از بالاترین مراتب وجود و کمال برخوردار و از عیب و نقص منزّه باشد، زیباتر و دوست‌داشتنی‌تر است. بنابراین در عالم هستی خالق و آفریننده آن به بی‌نهایت کمال و جمال و جلال متصف است و بی‌نهایت ترین محبوب نظام آفرینش، خود خدای تبارک و تعالی است.

بنابراین هر چه معرفت انسان به چیزی یا وجودی بیشتر باشد به همان میزان علاقه و گرایش روحی و روانی او نیز بیشتر و بیشتر خواهد شد. انسان اگر به معرفت پروردگار برسد، محبوب و معشوقی غیر از او بر نخواهد گزید: امام صادق (ع) در مورد حد و حدود معرفت خدا می‌فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ الْفَرَائِضِ وَ أَوْجَبَهَا عَلَى الْإِنْسَانِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ وَ الْإِقْرَارُ لَهُ بِالْعُبُودِيَّةِ وَ حَدُّ الْمَعْرِفَةِ أَنْ يَعْرِفَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَ لَا شَبِيهَ لَهُ وَ لَا نَظِيرَ وَ أَنْ يَعْرِفَ أَنَّهُ قَدِيمٌ مُّثَبَّتٌ»، (مجلسی: بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۴۰۷). خداوند متعال در قرآن کریم فلسفه خلقت انس و جن را معرفت و عبادت خودش بیان می‌کند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ

الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، (عروسی الحویزی: تفسیر نور الثقلین، ۱۴۱۵ق، نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۳۲).
من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند.

امام صادق (ع) از امام حسین (ع) نقل می کند آن حضرت بر جمع یاران شان بیرون آمده و خطاب به آنها فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَيِّ أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»، (ابن بابویه: علل الشرائع، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۹).

ای مردم خداوند بندگانش را نیافریده مگر برای آن که او را بشناسند و هنگامی که او را شناختند عبادتش می کنند و زمانی که او را عبادت کردند از پرستش غیر او بی نیاز می گردند. مردی در بین یاران عرضه داشت: ای پسر رسول خدا (ص) پدر و مادرم به فدای تو باد، معرفت و شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: آنست که اهل هر عصر و زمانی امامی را که اطاعتش بر آنها واجب است بشناسند.

امام صادق (ع) در مورد ارزش معرفت می فرماید: شناخت و معرفت سبب لذت و محبت انسان به معروف و محبوب می شود: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي فَضْلِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا مَدُّوا أَعْيُنَهُمْ إِلَى مَا مَتَعَ اللَّهُ بِهِ الْأَعْدَاءَ مِنْ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَنَعِيمِهَا وَكَانَتْ دُنْيَاهُمْ أَقْلَ عِنْدَهُمْ مِمَّا يَطْئُونَهُ بِأَرْجُلِهِمْ، وَلَتَعْمُوا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَتَلَذَّذُوا بِهَا تَلَذُّذُ مَنْ لَمْ يَزَلْ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّةِ مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ. إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَيْسَ مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ وَصَاحِبٍ مِنْ كُلِّ وَحْدَةٍ وَنُورٍ مِنْ كُلِّ ظُلْمَةٍ وَقُوَّةٍ مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ وَشِفَاءٍ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ»، (کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۴۷).

اگر مردم می دانستند که معرفت خدا چه ارزشی دارد هیچ گاه چشم به نعمت هایی نمی داشتند که خداوند به دشمنان از شکوفایی زندگانی دنیا و نعمت آن داده است، و دنیایشان در نظرشان فروتر می شد از آن چه زیر گام خود بمالند و پایمال کنند و هر آینه به شناختن خدای عزوجل چنان کام جو کردند به مانند کسی که در گلستان های بهشت با دوستان خدا بسر برد. به راستی که معرفت خدای عزوجل از هر هراسی آرامش و در هر گونه تهائی یار و همدم و در هر تاریکی چراغ فروزان و از هر ناتوانی نیروبخش و برای هر دردی درمان است.

امام حسن مجتبی (ع) فرموده اند: «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ» (ابن بابویه، علل الشرائع، ۱۴۱۰ تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج، ۱، ص ۵۲). هر که خدا را بشناسد، او را دوست خواهد داشت.

۲. کمال خواهی و گرایش به زیبایی

انسان به مقتضای سرشت و فطرتش طالب کمال و کسب مراتب عالیّه ی انسانی است و گرایش به زیبایی در نهاد او نهفته است. لذا هر کجا کمال، زیبایی و حسنی را ببیند به آن عشق می ورزد. هر جا ناهنجار و زشتی و شری را ببیند از آن تنفر و انزجار دارد. حب به خیرات و کمالات انسانی و عشق به انسان کامل می تواند یکی از امتیازات ارزشی انسان برای او محسوب گردد. انسان خدا، انبیاء، صالحین، صدیقین و شهداء؛ در یک جمله انسان کامل را که جلوه ای از زیبایی معنوی است دوست دارد. از شیاطین، دروغگویان، مفسدین، کفار و ظالمین که مظهر زشتی و بدی هستند، متفر و بیزار است.

زیباترین زیبا طلبی و عشق به خدا را امام صادق (ع) در دعای سحر نسبت به زیبایی خداوند به تصویر کشیده: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاءِ وَكُلِّ بَهَائِكَ بِهَيْئِ اللَّهِمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلُ اللَّهِمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِّهِ وَكُلِّ جَلَالِكَ جَلِيلُ اللَّهِمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ»، (طوسی: مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۷۶۰).

خدایا از تو می خواهم به درخشنده ترین مراتب درخشندگی؛ و تمام مراتب آن درخشنده است. خدایا؛ درخواست کنم به همه مراتب درخشندگی، خدایا؛ از تو خواهم به زیباترین مراتب جمالت با اینکه تمام مراتب جمالت زیبا است خدایا از تو خواهم به همه مراتب جمالت. خدایا؛ از تو خواهم به باشکوه ترین مراتب جلالت با اینکه تمام مراتب جلالت تو باشکوه است خدایا از تو خواهم به همه مراتب جلالت.

انسان وقتی محو جمال و زیبایی کامل و صاحب جمال شد، خواهی نخواهی مجذوب و حقیقتاً عاشق او می شود و هر چه و هر کس شمه ای از زیبایی الهی و نشانی از آن جمال کامل داشته باشد را دوست می دارد. و هر چه و هر کسی نشانی از این زیبایی در او نباشد را دشمن میدارد و از آن بیزاری می

جوید.

۳. نعمت واحسان

انسان در وجود خویش از عواطف واحساسات قلبی ویژه ای برخوردار است، نسبت به افعال و اتفاقات پیرامون خویش، اثر پذیر و اثر گذار است. هر لطف واحسانی که نسبت به او بشود کنش نشان میدهد. اگر مورد اکرام، احسان واحترام قرار بگیرد مجذوب اکرام واحسان کننده شده و در صدد است تا به وجه احسن و بهتر جبران کند. «الْإِنْسَانُ عَبْدٌ لِّإِحْسَانٍ» (غرر الحکم و درر الکلم، ح ۲۶۳)؛ انسان بنده احسان است.

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ عِبَادِهِ عَلَى حُبٍّ مِّنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا، وَ بُغْضٍ مِّنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا»، (مجلسی: بحار الأنوار، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۷، ص ۴۲۱). خداوند دلها را در تسخیر محبت کسی قرار داده که به او نیکی کند، و بر بغض کسی قرار داده است که به او بدی کن پس اگر کسی به ما احسانی بکند او را دوست می داریم، اگر بدی کند و ظلم روا بدارد، دشمن می داریم. امام باقر (ع) فرمودند: خداوند به حضرت موسی (ع) وحی کرد: «ای موسی! هم خودت مرا دوست بدار و هم مردم را دوستدار من کن! حضرت موسی (ع) عرض کرد: خدایا! تو می دانی که هیچ کس نزد من محبوب تر از تو نیست. من تو را از هر کس بیشتر دوست دارم، اما قلوب بندگان تو در دست من نیست که آنها را محبّ تو گردانم؛ چه کنم؟ خطاب شد: ای موسی! نعمت ها و احسان های مرا به آنها یادآوری کن، آنها دوستدار من خواهند شد (مجلسی: بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲).

حد و مرز حب و بغض

یکی از اقسام محبت، محبت به پدر و مادر است. مقام پدر و مادر در فرهنگ توحیدی الهی آن قدر از اهمیت فوق العاده برخوردار است که خداوند در جای جای قرآن کریم در آیات متعدد، احترام واحسان به والدین را بعد از مسئله توحید، ایمان و عبادت خودش قرار داده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَهْزُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»، «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذِّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء: ۲۳-۲۴)؛

و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد توبه سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو! و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر و بگو: «پروردگارا! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمت شان قرار ده». بدون شک مسئله ی حب و بغض مانند بسیاری از مسائل دیگر دارای حد و مرز می باشد از جمله:

۱. حبّ و بغض؛ اطاعت والدین

اما با توجه به ارزش و جایگاه بس بزرگی که خدا برای والدین قائل است و احترام آنان را حتی در حال کفرشان نیز واجب می داند، برای اطاعت از امر و نهی آنها فقط یک شرط گذاشته است: «وَصَيِّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»، (عنکبوت: ۸). ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر آن دو (مشرك باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری، از آنها پیروی مکن! بازگشت شما به سوی من است، و شما را از آنچه انجام می دادید با خبر خواهم ساخت.

۲. عدم غلو و افراط

گفته شد حبّ و بغض دو نیرو و موتور محرک انسان در جذب خیر و نیکی و دفع شر و بدی است. حب و بغض باید در حد اعتدال و مورد رضای خدا و رسول خدا (ص) باشد و الا سر از غلو افراط و تفریط در آورده و چه بسا موجب گمراهی و هلاکت انسان می شود. امام علی (ع) در این باره می فرماید: «هَلَكَ فِيَّ رَجُلَانِ؛ مُحِبٌّ غَالٍ، وَ مُبْغِضٌ قَالٍ» (نهج البلاغه: ۱۴۱۴، ص ۵۵). دو کس در باره من هلاک شدند: دوستی که در دوستیش غلو کند و دشمنی که در دشمنیش افراط ورزد.

مسیحیان درباره حضرت عیسی (ع) و مریم (س) به شدت غلو روا داشتند. قرآن مجید شدیداً آن ها را از این کار نهی کرده و می فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا»، «نساء: ۱۷۱». ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید و درباره خدا غیر از

حق نگوید مسیح (عیسی بن مریم) فقط فرستاده خدا، (و مخلوق) و کلمه اوست، که او را به مریم القا نمود، و روحی (شایسته) از طرف او بود. پس به خدا و پیامبران او ایمان بیاورید و نگوید: «(خداوند) سه گانه است.» (از این سخن) خودداری کنید که برای شما بهتر است. خدا، تنها معبود یگانه است، او منزله است که فرزندی داشته باشد، (بلکه) از آن اوست آنچه در آسمان ها و زمین است و برای تدبیر و سرپرستی آن ها، خداوند کافی است».

در صدر اسلام نیز جمعی تصمیم داشتند راه غلو را درباره پیغمبر اکرم (ص) پیش گیرند که حضرت آن ها را نهی کرد و به آن ها فرمود: «لَا تَرْفَعُونِي فَوْقَ حَقِّي فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اتَّخَذَنِي عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَنِي نَبِيًّا»، (حمیری: قرب الإسناد، ۱۴۱۳ ق، ص ۶۴). مرا بالاتر از حقم قرار ندهید زیرا خداوند مرا به عنوان بنده خود پذیرفته پیش از آنی که مقام نبوت بدهد».

پیامبر خدا (ص) خطاب به امام علی (ع): «يَا عَلِيُّ، مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي مَثَلُ الْمَسِيحِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، افْتَرَقَ قَوْمُهُ ثَلَاثَ فِرَقٍ: فِرْقَةُ مُؤْمِنُونَ وَهُمْ الْحَوَارِيُّونَ، وَفِرْقَةُ عَادُوهُ وَهُمْ الْيَهُودُ، وَفِرْقَةُ غَلَوَا فِيهِ فَخَرَجُوا عَنِ الْإِيمَانِ وَإِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرِقُ فِيكَ ثَلَاثَ فِرَقٍ؛ فَفِرْقَةُ شِيعَتِكَ وَهُمْ الْمُؤْمِنُونَ، وَفِرْقَةُ عَدُوِّكَ وَهُمْ الشَّاكُّونَ، وَفِرْقَةُ تَغْلُو فِيكَ وَهُمْ الْجَا حِدُونَ، وَأَنْتَ فِي الْجَنَّةِ يَا عَلِيُّ وَشِيعَتُكَ وَ مُحِبُّ (مُحِبُّو) شِيعَتِكَ، وَ عَدُوُّكَ وَ الْغَالِي فِي النَّارِ»، (ري شهري، محمد: ميزان الحکمه، ج ۸، ص ۵۰۵).

ای علی! حکایت تو در میان امت من، حکایت عیسی بن مریم است که مردم درباره او سه فرقه شدند: فرقه ای مؤمن ماندند، و آنان همان حواریانند، فرقه ای با او دشمنی ورزیدند و آنان یهودیانند و فرقه ای درباره او غلو کردند و در نتیجه از ایمان خارج شدند امت من نیز بزودی نسبت به تو سه فرقه خواهند شد: فرقه ای شیعه و پیرو تو هستند و آنان همان مؤمنانند، فرقه ای دشمن تو هستند و آنان شک کنندگانند و فرقه ای درباره تو غلو می کنند و آنان منکران [خدا] هستند. ای علی! تو و شیعیان تو و دوستداران شیعیان تو در بهشت هستید و دشمن تو و غلو کننده درباره تو در آتشند.

امام رضا (ع) درباره حد و مرز حب و بغض می فرماید: «مَنْ تَجَاوَزَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ الْعُبُودِيَّةَ فَهُوَ مِنَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَمِنَ الضَّالِّينَ». (مجلسی: بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۷۴). کسی که امیر المؤمنین را از مرز عبودیت خدا فراتر برد، از شمار کسانی است که مورد خشم خدایند و از گمراهان است. اخلاص در حب و نیت پاک در بندگی و اطاعت خدای متعال باید انسان را به حب

اولیاء الهی برساند.

۳. محور حب و بغض؛ خدا

خداوند متعال در آیات و روایات، حب و بغض حضرت ابراهیم و کسانی که همراه او هستند را بهترین الگو در تولی و تبری معرفی فرموده است: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبْنَيْهِ لَا اسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (ممتحنه: ۴).

برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می پرستید بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم؛ و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید!» - جز آن سخن ابراهیم که به پدرش (عمویش آزر) گفت: (و وعده داد) که برای تو آرمزش طلب می کنم و در عین حال در برابر خداوند برای تو مالک چیزی نیستم (و اختیاری ندارم)! - پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و همه فرجامها بسوی تو است.

۴. حب و بغض، تبعیت خدا و رسول او

محور و معیار در حب و بغض، ولایت است. پذیرش ولایت امام معصوم ولایت خدا و پیامبر خدا (ص) بنابراین حب و بغض و تولی و تبری در این جهت باید ملاحظه شود: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۱) قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ». (آل عمران: ۳۱-۳۲).

بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد، و گناهاتان را ببخشد، و خدا آمرزنده مهربان است. بگو: از خدا و فرستاده (او)، اطاعت کنید! و اگر سرپیچی کنید، خداوند کافران را دوست نمی دارد.

امام هادی (ع) در زیارت جامعه می فرماید: «مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ»، (ابن

بابویه: من لا يحضره الفقيه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۶۱۳).

اگر کسی ولایت شمارا داشته باشد محبت و ولایت خدا را دارد، هر کس که محبت و ولایت شمارا پذیرفت شمارا والی خودش قرار داد و به شما نزدیک شد، ولایت الهی را پذیرفته است.

از امام علی (ع) روایت شده است که رسول خدا (ص) فرمود: «أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ! وَالْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِكَ سَادَةُ أُمَّتِي . مَنْ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَ مَنْ وَالَانَا فَقَدْ وَالَى اللَّهَ وَ مَنْ عَادَانَا فَقَدْ عَادَى اللَّهَ»، (ابن بابویه: الأُمالي، ۱۳۷۶ ش، ص ۵۶۳، ح ۱۶).

از پیامبر خدا (ص) شنیدم که می فرماید: «من، سرور فرزندان آدم هستم و تو - ای علی - و امامان پس از تو، سروران امت من هستید، هر کس ما را دوست بدارد، بی گمان، خدا را دوست داشته است و هر کس ما را دشمن داشته باشد، بی گمان، خدا را دشمن داشته است و هر که یاور ما شد، بی گمان، خدا را یاری کرده است و هر که دشمن ما شد، بی گمان، با خدا دشمنی ورزیده است.

۵. محبت اهل طاعت خدا

یکی از بارزترین معیارها در دوستی و دشمنی و یا حُبّ و بغض، دوستی با اهل طاعت خدا و دشمنی با اهل معصیت خدا است. جعفر جعفی از امام باقر (ع) نقل می کند که حضرت فرمود: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا فَانْظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَيُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفِيكَ خَيْرٌ وَاللَّهُ يُحِبُّكَ وَإِنْ كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَيُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فِيكَ خَيْرٌ وَاللَّهُ يُبْغِضُكَ وَ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ» (کلینی: کافی، ۱۴۰۷ ق؛ ج ۲، ص ۱۲۷).

اگر می خواهی بدانی که در راه خیر گام بر می داری، پس به قلبت بنگر! چنانچه دوست دار اولیای خداست و بغض گناهکاران در آن است، بدان که در تو خیر است و خدا هم تو را دوست دارد. اما اگر در قلب تو کینه ی اهل طاعت خدا و محبت گناهکاران وجود داشته باشد، در آن صورت در تو هیچ خیری نیست و خدا تو را دشمن دارد و آدمی با کسی محشور می شود که او را دوست دارد.

آثار حب و بغض

۱. حب و بغض؛ هدایت و صراط مستقیم

کسی که دارای حب و بغض است، در مسیر هدایت و صراط مستقیم قرار دارد و با انبیاء، صالحین و صدیقین و شهداء که از نعمت الهی بهره مندند همراه است. از رسول خدا (ص) روایت شده است که درباره «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» فرمودند: «آن دین خداست که جبرئیل بر محمد (ص) نازل کرده است (و درباره): «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» فرمودند «منظور شیعیان (پیروان واقعی) علی (ع) است که با ولایت علی بن ابی طالب بر آنها نعمت دادی و بر آنها غضب نکردی و گمراه نشدند. (کوفی: تفسیر فرات الکوفی، تهران، ۱۴۱۰ ق).

۲. طیب ولادت و اولین نعمت

کسی که تولی و تبری و حب و بغض در قلب و جاناش جا گرفته باشد؛ از طیب ولادت برخوردار است. امام علی (ع) نقل می کند پیامبر (ص) فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ، مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى أَوَّلِ النَّعَمِ. قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا أَوَّلُ النَّعَمِ؟ قَالَ: طَيْبُ الْوِلَادَةِ، إِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَ مَوْلِدُهُ» (طوسی: امالی، ۴۵۵ / ۱۰۱۸). ای اباذر! هر که ما اهل بیت را دوست دارد پس خدا را بر نخستین نعمت سپاس گوید. ابوذر پرسید: ای رسول خدا، نخستین نعمت کدام است؟ فرمود: حلال زادگی؛ ما را دوست نمی دارد، مگر کسی که حلال زاده باشد.

۳. حب و بغض و چشمه حکمت

یکی از آثار دوستی و محبت اهل بیت (ع) این است چشمه های حکمت الهی بهره مند می شود. امام صادق (ع) فرمود: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ حَقَّقَ حُبَّنَا فِي قَلْبِهِ جَرَى يَنْابِيعُ الْحِكْمَةِ عَلَى لِسَانِهِ وَ جُدَّدَ الْإِيمَانُ فِي قَلْبِهِ وَ جُدَّدَ لَهُ عَمَلُ سَبْعِينَ نَبِيًّا وَ سَبْعِينَ صِدِّيقًا وَ سَبْعِينَ شَهِيدًا وَ عَمِلُ سَبْعِينَ عَابِدًا عَبْدَ اللَّهِ سَبْعِينَ سَنَةً»، (برقی: المحاسن، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۶۱). هر کس ما اهل بیت را دوست داشته باشد و دوستی ما را در دلش محقق نماید، چشمه های حکمت بر زبانش جاری می شود و ایمان در قلبش تجدید می شود و ثواب عمل هفتاد پیامبر و هفتاد راستگو و هفتاد شهید و هفتاد عابد که هفتاد

سال عبادت کرده برای او نوشته می شود.

۴. حب و بغض و حشر با اهل بیت (ع) و درجات عالیه بهشت

شخصی بر «زید بن علی» وارد شد و عرض کرد: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَدِّثْنِي مِنْ فَضْلِ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْكُمْ قَالَ نَعَمْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَنَحْنُ شُفَعَاؤُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا ابْنَ بَكْرٍ مَنْ أَحَبَّنَا فِي اللَّهِ حُسْرَ مَعْنَا وَ أَذْخَلْنَاهُ مَعْنَا يَا ابْنَ بَكْرٍ مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا فَهُوَ مَعْنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى...» (دیلمی: إرشاد القلوب، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۴۱۵). یا ابن رسول الله، از آنچه خدا به شما داده برایم حدیث کن؟ فرمود: پدرم از پدرش از جدش روایت کرد که پیامبر صلی (ع) فرمود: هر کس ما اهل بیت (ع) را دوست بدارد، در قیامت او را شفاعت میکنیم، و کسی که ما را دوست بدارد با ما محشور می شود و با ما وارد بهشت می گردد، ای پسر بکر، کسی که به ما تمسک جوید او در درجات بالا با ما خواهد بود.

۵. حب و بغض و قبولی اعمال

یکی از آثار مهم ولایت و دوستی اهل بیت (ع) قبولی اعمال انسان است. موسی سباطی از امام صادق (ع) نقل می کند که رسول خدا (ص) فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ الصَّلَوَاتُ [عَنِ الصَّلَوَاتِ] الْمَفْرُوضَاتِ وَ عَنِ الزَّكَاةِ الْمَفْرُوضَةِ وَ عَنِ الصِّيَامِ الْمَفْرُوضِ وَ عَنِ الْحَجِّ الْمَفْرُوضِ وَ عَنِ وَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنْ أَقَرَّ بِوَلَايَتِنَا ثُمَّ مَاتَ عَلَيْهَا قُبِلَتْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ صَوْمُهُ وَ زَكَاتُهُ وَ حُجُّهُ وَ إِنْ لَمْ يُقَرَّرْ بِوَلَايَتِنَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ شَيْئًا مِنْ أَعْمَالِهِ» (ابن بابویه: أمالي، ۱۳۷۶ ش، ص: ۲۵۶).

روز قیامت وقتی بنده خدا در محضر خدای متعال قرار می گیرد از او از نمازهای واجب، زکات واجب، روزه واجب و حج واجب و از ولایت اهل بیت علیهم السلام می پرسند. اگر بر ولایت ما ثابت بوده سپس فوت کرده باشد نماز، روزه، زکات و حج واجب او قبول می شود اگر بر ولایت ما نبوده خداوند عز و جل از چیزی از اعمال او را نمی پذیرد.

نتیجه گیری

حب و بغض؛ به عبارتی تولی و تبری یکی از ویژگی های انسان مومن و پیرو مکتب اهل بیت (ع) است. حب و بغض یا همان تولی و تبری اولین و بزرگترین سر لوحه زندگی برای انسان مومن است. همراه شدن با انبیاء، صدیقین، صالحان و شهیدان، محبت و دوستی با آنان و دوری و برائت از دشمنان آن ها باعث قرب به خدا و موجب خیر و سعادت انسان می گردد. محبت خدا و رسول خدا و اهلیت (ع) یعنی دوست داشتن متقین، محسنین، مطهرین، مستغفرین، توابین، صادقین و صابرين و... تولی و تبری یعنی عقیده و عمل به شعار با عزت «إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ وَلِيٍّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٍّ لِمَنْ عَادَاكُمْ» همانا من در صلح و سازشم با کسی که با شما در صلح است و در جنگم با کسی که با شما در جنگ است و دوستم با کسی که شما را دوست دارد و دشمنم با کسی که شما را دشمن دارد. تولی و تبری یعنی تمسک به بزرگترین و محکم ترین دستگیره دین و ایمان، همراهی با ولی خدا، محشور شدن با رسول خدا و اهلیت و انسان کامل و نهایتاً قرار گرفتن در بالا ترین مقام و درجات بهشت.

کتابنامه

قرآن

نهج البلاغه

- ابن بابویه، محمد بن علی، **الأمالی (للمصدق)**، ناشر: کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول**، ناشر: جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳ ش.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، **التحریر و التنویر** ناشر: موسسه التاریخ، بیروت، بی تا.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، **کامل الزیارات**، ناشر: دار المرتضویه، نجف اشرف، ۱۳۵۶ ش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، ناشر: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، **تفسیر نور الثقلین** ناشر: اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، **المحاسن**، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، قم، ۱۳۷۱ ق.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد، **غرر الحکم و درر الکلم**، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، قم، ۱۴۱۰ ق.
- حافظ شیرازی، دیوان **خواجہ شمس الدین محمد**، موسسه انتشارات کدیانی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- حسکانی عبید الله بن احمد، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، ناشر: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران ۱۴۱۱ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، ناشر: دار القلم _ الدار الشامیة، بیروت، دمشق ۱۴۱۲ ق.
- طباطبائی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، علی بن حسن، **مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار**، ناشر: المكتبة الحیدریة، نجف، بی تا.
- طریحی، فخر الدین بن محمد، **مجمع البحرین**، ناشر: مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- طوسی، محمد بن الحسن، **أمالی**، ناشر: دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.

- طوسی، محمد بن الحسن مصباح المتهجد، مؤسسة فقه الشيعة، بيروت، ۱۴۱۱ ق.
- غزالی، ابی حامد محمد بن محمد، احیاء العلوم الدین، ناشر: دار الكتاب العربی (ابی جا) ۱۳۹۳ ش.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم تفسیر فرات الکوفی، ناشر: وزارت ارشاد اسلامی، تهران: ۱۴۱۰ ق.
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الدعوات، ناشر: انتشارات مدرسه امام مهدی (عج) قم، ۱۴۰۷ ق.
- قمی مشهدی محمد، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ناشر: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب أصول الكافي، ناشر: کتاب فروشی علمیه اسلامی، تهران: ۱۳۶۹ ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار ناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۳ ق.
- مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ناشر: دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۴ ق.
- منسوب به جعفر بن محمد، مصباح الشريعة؛ ناشر: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه، تهران تهران، ۱۳۶۰ ش.
- مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ورام ابن أبي فراس، مسعود بن عيسى، مجموعه ورام، ناشر: مکتبه فقیه قم، ۱۴۱۰ ق.

